

۹-۳. تأثیر مسئله سالمندی بر حوزه نهاد خانواده:

(نوروزیان، ۲۰۱۲) در این زمینه اعتقاد دارد از منظر تاریخی و دینی مراقبت از افراد سالخورده همواره یکی از تعهدات اصلی برای خانواده‌ها (تقریباً در همه مذاهب و فرهنگ‌ها) بوده است. از این رو فرستادن سالمندان به خانه‌های سالمندی امری پسندیده در فرهنگ، سنت و عرف موجود نیست. با این حال در نتیجه افزایش زندگی شهرنشین، مهاجرت در مقیاس بزرگ، اشتغال زنان و مردان، کوچک‌تر شدن خانواده‌ها، انتظارات طولانی مدت زندگی سالخوردگان، تغییرات عمده در نگرش عمومی نسبت به این امر صورت گرفته است. این پدیده در شهرهای بزرگ مانند شهر تهران بیشتر مشهود است. (Noroozian, 2012)

(قاسمی نیایی، ۱۳۷۹) نیز به مشکلات خانوادگی حاصل از عدم انطباق‌پذیری زوجین سالمند پرداخته است و نشان داده که این دو متغیر رابطه دوسویه با هم دارند. همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان شد، کاهش نقش حمایتی خانواده به معنی تضعیف شبکه حامی سالمندان و افزایش بار مسئولیت دولت نسبت به این قشر خواهد بود. همچنین افزایش بار مالی خانوارهای دارای سالمند یا حامی سالمند نیز خود زنجیره دیگری از مسائل اقتصادی و اجتماعی خانواده را به دنبال دارد که طبیعتاً از نقش حمایتی خانواده در قبال سالمندان کاسته و شبکه حمایتی سنتی سالمندان را بیش از پیش ضعیف و بار مسئولیت دولت را می‌افزاید. عدم انطباق بین زوجین سالمند نیز علاوه بر به هم ریختن هسته خانواده، نتایجی چون افزایش تعداد زنان سالمند بدون سرپرست و بدون حامی مالی، کاهش استانداردهای سلامت روانی، افزایش مسئولیت فرزندان و در نتیجه دور جدیدی از تضعیف شبکه غیررسمی حمایت از سالمندان و در مقابل افزایش مسئولیت و هزینه‌های دولت را به ارمغان خواهد آورد. (قاسمی نیایی، ۱۳۷۹: ۳۴)

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این بررسی نشان داد که در حال حاضر جمعیت ایران به سرعت در حال انتقال سنی است و در اثر کاهش باروری و افزایش امید زندگی به طور روزافزون تعداد و درصد جمعیت میان‌سال و سالخورده افزایش می‌یابد و از جمعیت نوجوان